

پژوهش های جغرافیایی - شماره ۵۴، زمستان ۱۳۸۴

صص ۱۷۵-۱۵۳

بررسی آماری روند رشد و تحولات اشتغال در نواحی روستایی استان اصفهان

دکتر مجتبی قدیری معصوم* - دانشیار دانشکده جغرافیا، دانشگاه تهران

دکتر مسعود مهدوی** - استاد دانشکده جغرافیا، دانشگاه تهران

حمید برقی - دانشجوی دوره دکتری جغرافیا و برنامه ریزی روستایی، دانشگاه تهران

دریافت مقاله: ۸۴/۳/۳۰

تأیید نهایی: ۸۴/۸/۳۰

چکیده

از جمله عوامل مؤثر بر جریان توسعه اقتصادی جامعه، ویژگی های نیروی انسانی از لحاظ کمی و کیفی است. یک جامعه از طریق کار و فعالیت نیروی انسانی که در اختیار دارد، می تواند خود را تأمین نماید که این فعالیت ها نیز تحت تأثیر خصوصیات نیروی انسانی قرار دارد. تحقیق حاضر، نیروی انسانی مناطق روستایی استان اصفهان را از لحاظ کمی و کیفی طی دوره ۷۵-۱۳۳۵ مورد توجه قرار می دهد. مجموع عرصه نیروی انسانی در مناطق روستایی استان اصفهان طی سال های ۷۵-۱۳۳۵ با رشدی معادل ۰/۷ درصد از ۲۹۸۳۷۳ نفر به حدود ۳۱۹۵۷۶ نفر رسیده است. از مجموع نیروی انسانی در سال ۱۳۷۵ نیز حدود ۲۹۶۶۵۳ نفر شاغل و ۲۲۹۲۳ نفر بیکار بوده اند. نرخ اشتغال جامعه مورد بررسی در سال ۱۳۷۵ حدود ۹۲/۸ درصد بوده که در مقایسه با سال ۱۳۳۵ (۹۸/۹٪) حدود ۶/۱ درصد کاهش داشته است. این کاهش نرخ اشتغال و از طرف دیگر افزایش رشد جمعیت باعث افزایش بار معیشتی جمعیت شاغل شده که افزایش آسیب پذیری خانوارها و فقر را سبب می گردد. بررسی توزیع شاغلین روستایی به تفکیک بخش ها حاکی از اهمیت بیشتر بخش صنعت از نظر جذب تعداد شاغلین است؛ به نحوی که حدود ۴۱ درصد از شاغلین روستایی در این بخش مشغول هستند. نکته قابل توجه در توزیع شاغلین در بین بخش ها، کاهش قابل توجه سهم بخش کشاورزی طی سال های ۷۵-۱۳۳۵ است؛ به طوری که سهم بخش کشاورزی از ۶۴/۵ درصد در سال ۱۳۳۵ به ۳۲/۷ درصد در سال ۱۳۷۵ کاهش یافته است. در عین حال بخش صنعت حدود ۱/۵ برابر و خدمات حدود سه برابر افزایش داشته اند. این ارقام نشان می دهد که توزیع شاغلین در بین بخش ها از یک روند متناسب برخوردار نبوده است. همچنین روستاهای ناحیه دشتی خشک نسبت به روستاهای نواحی خشک - بیابانی و کوهستانی معتدل با توجه به امکانات و قابلیت جذب بهتر، از تغییرات کمتر و وضعیت اشتغال مساعدتری برخوردار می باشد.

واژگان کلیدی: اشتغال، استان اصفهان، نواحی روستایی.

مقدمه

در روند برنامه ریزی و در جهت دستیابی به توسعه هر فضای جغرافیایی، توجه به جمعیت یکی از مهم ترین و شاید بدون اغراق اصلی ترین فاکتور را تشکیل می دهد؛ چرا که تغییرات کمی و کیفی جمعیت اثرات قابل توجهی در این روند دارد. یکی از مهم ترین مسائلی را که در ارتباط با جمعیت می بایستی در نظر داشت مسئله اشتغال است؛ چرا که تأمین یا عدم تأمین اشتغال نیروی انسانی می تواند اثرات مثبت و منفی بر چگونگی دستیابی به توسعه هر کشور داشته باشد

* E-mail: mghadiri@ut.ac.ir

**E-mail: mahdavih@ut.ac.ir

و لذا بحث اشتغال در تمامی محافل اقتصادی یک بحث کلیدی و استراتژیک می باشد. اشتغال عاملی است که باعث می شود از تمام نیرو و توانمندی های فکری - فیزیکی انسان استفاده شود و این روند به دنبال خود آرامش و تمکین جامعه را به دلیل از بین رفتن بیکاری، مسکوت ماندن امر مهاجرت، استفاده و پرورش استعداد های درخشان و بالا رفتن در آمد ناخالص ملی در پی دارد. با تقسیم بندی جامعه به دو بخش شهری و روستایی، مسئله اشتغال نیز از این روند تأثیر می پذیرد و می بایستی بحث اشتغال را در این دو فضای جغرافیایی به طور مجزا مورد مطالعه و بررسی قرار داد. در این تحقیق و پژوهش سعی بر بررسی و ارزیابی چگونگی روند تغییرات اشتغال و تأثیرات آن در چشم انداز جغرافیایی روستاهای استان اصفهان طی پنج دوره سرشماری (۷۵-۱۳۳۵) شده است. البته شکی نیست که تحولات ایجاد شده در اشتغال، خود متأثر از عوامل انسانی یا طبیعی دیگری است که در این بررسی بدان اشاره خواهد شد.
ابتدا سؤالی به شرح ذیل مطرح می باشد:

۱- تحولات ایجاد شده در بخش های سه گانه اقتصادی در روستاهای استان اصفهان چگونه بوده است؟
پاسخ به پرسش فوق می تواند محقق را در دستیابی به نتایج تحقیق در رابطه با موضوع تحقیق یاری نماید.
همچنین روش بررسی در این تحقیق گردآوری آمار و اطلاعات از منابع اسنادی و توصیف آماری روند تحولات اشتغال در نواحی روستایی استان اصفهان می باشد.

مروری بر مطالعات انجام شده

بورگس در مطالعه ای مربوط به صنعت کارخانه ای انگلستان در سال ۱۹۸۸، هزینه های تعدیل نیروی کار را در استخدام و اخراج نیروی کار مؤثر می داند (بورگس، ۱۹۸۸). روزن و کوانت با استفاده از داده های آماری سالانه طی سال های ۷۳-۱۹۳۰ بازار کار آمریکا را بررسی کرده و تقاضای نیروی کاری را تابعی از نرخ حقوق و دستمزد در بخش خصوصی و تولید ناخالص ملی عنوان می نمایند (روزن و کوانت، ۱۹۷۷).

بنجامین در سال ۱۹۹۲ با حجم نمونه ای معادل ۴۱۱۷ نفر از خانواده های کشاورز در روستاهای اندونزی به برآورد تقاضای نیروی کار کشاورزی پرداخته و به این نتیجه رسیده است که مؤلفه های سطح زیر کشت، نهادها، اندازه خانوار، دستمزد، ضریب پوشش تحصیلی، سطح آموزش و آب و هوا در اشتغال زایی مؤثر است (بنجامین، ۱۹۹۲).

خان وقانی ایجاد اشتغال در مناطق روستایی پاکستان را با تمرکز خاص بر صنعتی سازی روستایی بررسی کرده اند و به این نتیجه رسیده اند که بخش کشاورزی قادر به ایجاد اشتغال در مقیاس وسیع نیست و بنابراین اشتغال در بخش های غیر کشاورزی باید مد نظر قرار گیرد. این دو معتقدند که از طریق صنعتی سازی روستایی می توان فرصت های شغلی جدید در روستاها ایجاد کرد و از مهاجرت روستاییان به شهرها کاست و تا حدی مشکل بیکاری آن کشورها را کاهش داد (خان و قانی، ۱۹۸۹).

الجلالی در تحقیقی همانند در پاکستان به نتیجه مشابه خان و قانی رسیده است (الجلالی، ۱۹۹۲).

«امینی و فلیحی» اشتغال نیروی کار را در بخش صنعت و معدن ایران طی دوره ۱۳۷۳-۱۳۴۵ با بهره گیری از آمارهای سری های زمانی بررسی کرده و به این نتیجه رسیده اند که اشتغال تابعی از سطح تولید، قیمت های نیروی کار و سرمایه است (امینی، ۱۳۷۷).

اکبر کمیجانی در پژوهشی راجع به عملکرد سیاست های اشتغال در ایران، مهم ترین عامل مؤثر تقاضای نیروی کار را رشد اقتصادی عنوان می کند. در این مطالعه به ازای یک درصد تغییر در تولید ناخالص ملی، ۰/۵ تا ۰/۶۶ درصد تغییر در نیروی کار ایجاد می شود (کمیجانی، ۱۳۷۹).

کرامت زیاری در تحقیقی به بررسی و تحلیل و برنامه ریزی اشتغال در استان یزد پرداخته و به این نتیجه رسیده است که مهم ترین بخش اشتغال زرا، مالی و تجاری بوده است. به ازای هر شغل ایجاد شده در بخش های مالی و تجاری ۷/۱ شغل و در بخش های صنعت ساخت و خدمات به ترتیب ۳/۱ و سه شغل در کل استان یزد بوجود آمده است (زیاری، ۱۳۸۰، صص ۱۰۷-۸۹).

حمید شایان نیز در پژوهشی راجع به تحلیل کمی روند رشد و تحولات اشتغال در استان خراسان در دو دهه ۱۳۵۵-۶۵ و ۱۳۶۵-۷۵ به این نتیجه رسیده که گرچه در استان کاهش رشد سالانه اشتغال تحولی منفی است، اما کاهش شدید رشد شاغلان خدماتی (۱۰۴/۸ درصد به ۳۰/۱ درصد) و رشد قابل ملاحظه شاغلان صنعتی (۹/۳ درصد به ۲۳/۸ درصد) تحولی مثبت تلقی می گردد و در قلمرو وسیعی از استان می توان با تدارک زیر ساخت های لازم در بخش روستایی - کشاورزی امکان رشد و توسعه توأمان سایر بخش ها نیز فراهم گردد (شایان، ۱۳۸۰، صص ۸۸-۷۲).

بدین ترتیب می توان در اشتغال روستائیان، عواملی چون هزینه های تعدیل نیروی کار، حقوق و دستمزد، مؤلفه های سطح زیر کشت، نهاده های اندازه خانوار، ضریب پوشش تحصیلی، سطح آموزش، آب و هوا، صنعتی سازی روستایی، رشد اقتصادی، تولید ناخالص ملی و ... را مؤثر دانست.

مبانی نظری تحقیق

در نظریه «کلاسیک ها» عرضه و تقاضای نیروی کار تابعی از دستمزد و انجام اشتغال کامل در گرو سیاست های پولی و مالی است (قره باغیان، ۱۳۷۲، صص ۱۷۴-۱۵۲).

«نئوکلاسیک ها» علاوه بر موارد مذکور، بحث انتظارهای عقلانی را وارد الگوی اقتصاد کلاسیک ها می کنند و سیاست های پیش بینی شده در کوتاه مدت را علت تغییر تولید و اشتغال در نظر می گیرند. نظریه چرخه واقعی تجاری، به عوامل صرف عرضه اقتصاد اهمیت بیشتری می دهد و برخلاف نظریه های کلاسیک ها و نئوکلاسیک ها مؤلفه هایی از قبیل شوک های تکنولوژیکی، تغییر در شرایط محیطی، قیمت های نسبی موادخام وارداتی و طرح های مالیاتی را در اشتغال زایی مؤثر می داند (قره باغیان، ۱۳۷۲، صص ۱۹۷-۱۸۷).

«کینز» وضعیت اشتغال کامل تولید را نادر در نظر گرفته و معتقد است که شرایط رقابت کامل و انعطاف پذیری کامل دستمزدها و قیمت ها به خودی خود بوجود نمی آید. کارگران توهم پولی دارند و مقدار کاری که عرضه می شود علاوه بر سطح متوسط دستمزدهای واقعی، تابعی از سطح دستمزدهای اسمی است (کینز، ۱۹۷۰، صص ۱۱۵-۱۱۳).

روزنشتین وجود بیکاری پنهان و اشتغال ناقص را اقتصادی نبودن فرصت های مناسب جایگزین برای کارکردن و کسب در آمد عنوان می نماید (روز نشتین ۱۹۶۳، صص ۲۵۵-۲۴۵).

نورگس در نظریه ای ابراز می دارد که با تجمع مهارت های تکنیکی در بخش کشاورزی می توان این نیروهای کار مازاد را در بخش کشاورزی به سایر بخش های اقتصادی منتقل کرد (بدون آن که تولید کشاورزی تغییر یابد) تا اشتغال کامل بدست آید (نورگس، ۱۹۶۷).

هاورد - دومار نظریه همبستگی مستقیم میان تولید ناخالص ملی و اشتغال را ارائه نموده و معتقد است که ده درصد افزایش در تولید ناخالص ملی، همواره با ده درصد افزایش در اشتغال همراه می باشد. اما اگر بهره وری نیروی کاری افزایش یابد، کار کمتری ایجاد می شود (قره باغیان ۱۳۷۲، صص ۴۰۰-۳۷۹).

بنابراین بنظر می رسد که در توزیع شاغلین بین بخش ها در مطالعه مورد ناحیه، نظریه نورگس تقریباً هماهنگی بیشتری را داشته باشد.

تقسیم بندی استان اصفهان بر اساس عوامل جغرافیایی مؤثر بر آن

استان اصفهان با مساحتی حدود ۱۰۷۰۰۳/۲۵۰ کیلومتر مربع در بخش مرکز فلات ایران قرار گرفته و از شمال به استان مرکزی و استان سمنان، از جنوب به استان های فارس و کهگیلویه و بویر احمد، از شرق به استان های یزد و خراسان و از غرب به استان های لرستان و چهارمحال و بختیاری محدود می گردد.

مساحت استان اصفهان در سال های ۱۳۴۵، ۱۳۵۵ و ۱۳۶۵ به ترتیب معادل ۱۵۱۷۹۹، ۹۵۴۵۹، ۱۰۵۸۰۴/۹ کیلومتر مربع بوده است. کاهش مساحت استان در سال ۱۳۵۵ و سپس افزایش آن در سال ۱۳۶۵ به علت تغییراتی است که در این مدت در محدوده آن رخ داده است. در فاصله سال های ۱۳۴۵-۵۵ شهرستان یزد که جزئی از استان اصفهان بوده، به استان جدیدی تبدیل شد.

در فاصله سال های ۶۵-۱۳۵۵ شهرستان کاشان که قبلاً جزئی از استان مرکزی بود به محدوده استان اصفهان پیوست و با ایجاد شهرستان های جدید خمینی شهر، خوانسار، فلاورجان، لنجان در بخش هایی از شهرستان اصفهان، تعداد شهرستان های استان افزایش یافته و در مقابل از مساحت شهرستان اصفهان کاسته شده است (زنجانی، ۱۳۷۰).

جدول ۱- تقسیمات سیاسی استان اصفهان در سال های ۱۳۴۵، ۱۳۵۵، ۱۳۶۵، ۱۳۷۰، ۱۳۸۰

سال	۱۳۴۵	۱۳۵۵	۱۳۶۵	۱۳۷۰*	۱۳۸۰*
تعداد شهرستان	۱۰	۱۰	۱۵	۱۷	۱۹
تعداد بخش	۳۰	۲۱	۲۷	۳۲	۴۳
تعداد دهستان	۸۶	۶۹	۸۰	۱۱۰	۱۲۱
تعداد شهر	۳۷	۴۲	۴۸	۵۱	۸۳
تعداد آبادی های دارای سکنه	۳۷۷۴	۲۳۸۸	۲۴۹۲	-	-

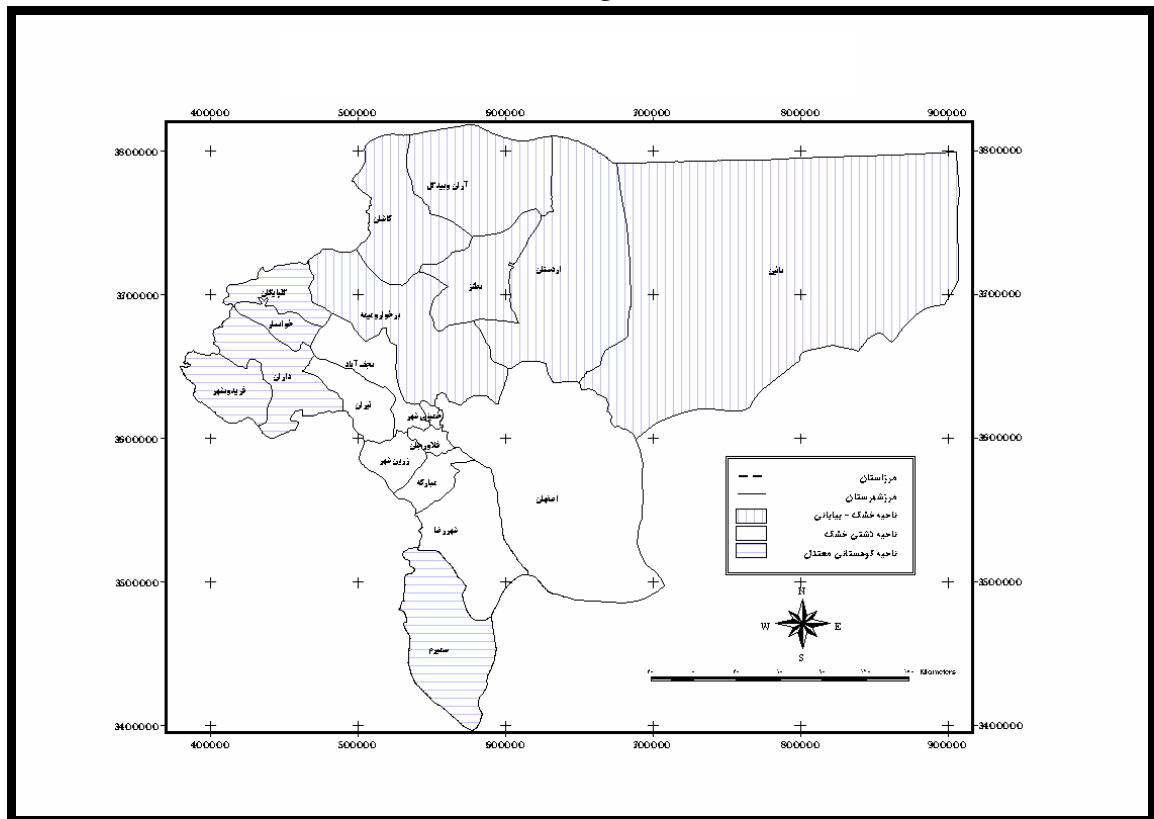
مأخذ: مرکز آمار ایران، نتایج سرشماری های عمومی نفوس و مسکن استان اصفهان، سال های ۱۳۴۵-۱۳۶۵

* سازمان مدیریت و برنامه ریزی استان اصفهان، سالنامه آماری ۱۳۸۰

جهت بررسی وضعیت و روند تغییرات نیروی انسانی و اشتغال جمعیت در مناطق روستایی استان اصفهان و نیز تعیین نقش آن در امر توسعه اجتماعی - اقتصادی کشور لازم است به بررسی ویژگی های طبیعی استان بپردازیم. قرار گرفتن این استان در میان کوه های مرکزی ایران و دامنه های شرق زاگرس، مناطق مختلفی را با شرایط کاملاً متفاوت اقلیمی و آب و هوایی بوجود آورده است که از طرفی مناطق کوهستانی و برفگیر را در بر می گیرد، و از سوئی شامل اراضی آبرفتی بسیار حاصلخیز می باشد. در بخش هائی از استان، شرایط طبیعی وضعیت مناسبی را برای توسعه منابع طبیعی فراهم آورده و در قسمت هایی نیز با مشکلات بیابان ها، کویرها و خشکسالی های طولانی مواجه هستیم که بالطبع این تفاوت های اکولوژیک و ناهمگونی شرایط اقلیمی و امکانات محیطی منطقه در هدایت و توزیع جمعیت در بخش های مختلف استان و نیز در زمینه طرق معیشتی و فعالیت های تولیدی و اقتصادی منطقه نقش مهمی را ایفاء می نماید. از اینرو براساس ویژگی های طبیعی (زمین شناسی، توپوگرافی، اقلیم، خاک و ...) می توان استان را به سه ناحیه جغرافیایی به شرح ذیل تقسیم نمود (نقشه شماره ۱):

- ۱- ناحیه کوهستانی معتدل: این ناحیه شامل شهرستان های فریدن، فریدونشهر، سمیرم، گلپایگان و خوانسار است.
- ۲- ناحیه دشتی خشک: این ناحیه شامل شهرستان های اصفهان، نجف آباد، شهرضا، لنجان، فلاورجان، خمینی شهر و مبارکه می باشد.
- ۳- ناحیه خشک - بیابانی: این ناحیه شهرستان های کاشان، نطنز، نائین، اردستان، برخوار و میمه را شامل می شود.

شکل ۱- توزیع جغرافیایی استان اصفهان



۱- بررسی تحولات جمعیتی استان به تفکیک مناطق شهری و روستایی و توزیع آن در نواحی جغرافیایی

جمعیت استان اصفهان بر اساس نتایج سرشماری سال ۱۳۶۵ کل کشور ۳۲۷۰۴۶۵ نفر بوده که این رقم در سال ۱۳۷۵ به ۳۹۲۱۹۶۱ نفر بالغ گردیده است و نرخ رشدی معادل ۱/۸ درصد در سال را نشان می دهد.

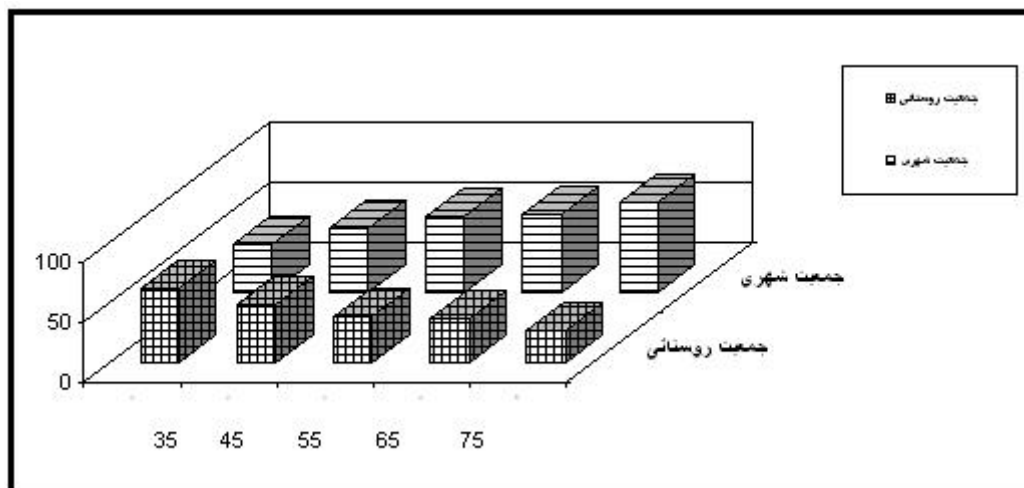
جمعیت روستایی استان در سال ۱۳۶۵، ۱۱۵۲۳۲۵ نفر بوده که این رقم در سال ۱۳۷۵ به ۱۰۰۷۰۸۷ نفر بالغ گردیده و نرخ رشد سالانه ای معادل ۱/۵- درصد داشته است. پائین بودن نرخ رشد جمعیت مناطق روستایی استان نسبت به کل استان را می توان در دو مسئله عمده، یکی مهاجرت بخشی از جمعیت روستایی به سمت مناطق شهری و دیگری تبدیل برخی مراکز بزرگ روستایی به نقاط شهری طی این مدت تحلیل نمود (نمودارهای شماره ۱ و ۲).

همچنین کاهش قابل توجه سهم جمعیت روستایی طی دهه ۱۳۴۵ تا ۱۳۵۵ حاکی از تغییرات عمده تری در رابطه با جمعیت در این دوره می باشد. استان اصفهان از سال ۱۳۴۵ به بعد جزء استان های مهاجر پذیر کشور طبقه بندی گردیده است (علیزاده ۱۳۶۳، ص ۲۶).

۲- بررسی تحولات جمعیت در سن فعالیت^۱ و جمعیت فعال^۲ مناطق روستایی طی سال های (۱۳۳۵-۷۵)

میزان جمعیت در سن فعالیت مناطق روستایی استان در سال ۱۳۳۵ حدود ۶۶/۴۹ درصد از کل جمعیت روستایی را شامل می شده است که این جمعیت در سال ۱۳۴۵ اندکی کاهش یافته و به ۶۴/۸۳ درصد و در سال ۱۳۵۵ با کمی افزایش ۶۵/۵۷ درصد و در سال ۱۳۶۵ و ۱۳۷۵ به ترتیب به ۶۵/۷۲ و ۷۶/۵۵ درصد رسیده است (جدول شماره ۲). براساس جدول فوق جمعیت فعال در سال ۱۳۳۵ حدود ۲۹۸۳۷۳ نفر بوده که در سال ۱۳۴۵ حدود ۱۵ درصد کاهش یافته

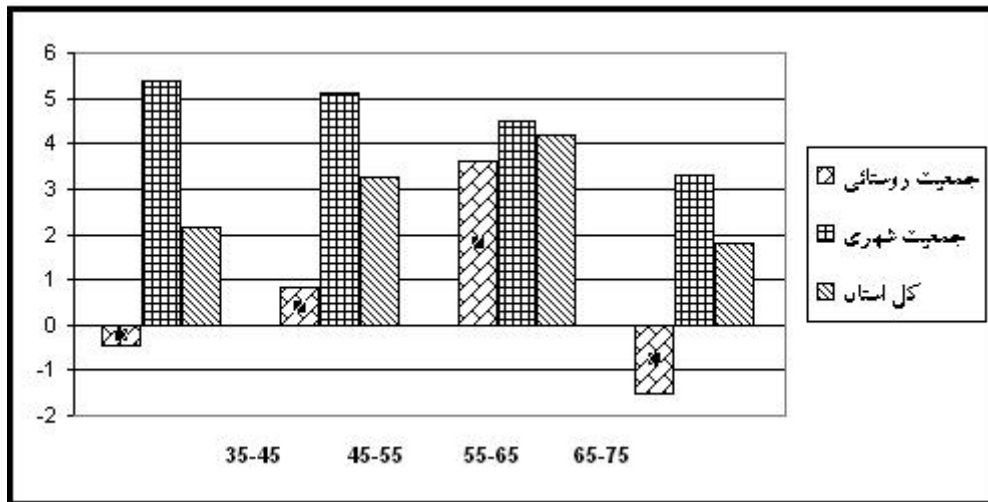
نمودار ۱- میزان درصد جمعیت روستایی و شهری استان اصفهان طی سال های (۱۳۳۵-۷۵)



^۱ - منظور از جمعیت در سن فعالیت، جمعیت ده ساله و بیشتر می باشد. براساس الگوهای بین المللی، جمعیت واقع در سن فعالیت را افراد واقع در سنین ۶۴-۱۵ سال محاسبه می کنند؛ ولی در ایران چون تعداد قابل ملاحظه ای از کودکان ۷ تا ۱۴ سال مخصوصاً در مناطق روستایی به کار اشتغال داشته و نیز سن بازنشستگی به بیش از ۶۵ سال می رسد، بنابراین در اغلب مطالعات و بررسی های جمعیتی، جمعیت فعال را در گروه های سنی ده ساله و بیشتر مورد ارزیابی قرار می دهند و میزان فعالیت را بر اساس همین جمعیت در نظر می گیرند.

^۲ - منظور از جمعیت فعال کلیه کسانی هستند که در زمان سرشماری به کار اشتغال داشته یا بیکار در جستجوی کار بوده باشند و سایرین را غیر فعال می نامند (کاظمی پور ۱۳۷۱).

نمودار ۲- مقایسه رشد سالانه جمعیت کل - روستایی و شهری استان اصفهان طی سال های (۷۵-۱۳۳۵)



است و در سال ۱۳۵۵ میزان جمعیت فعال روند صعودی به خود گرفته (۷ درصد)، و این روند در سال ۱۳۶۵ و ۱۳۷۵ به ترتیب ۱۳ و ۴۱/۴۵ درصد افزایش داشته است (نمودار شماره ۳).

عامل مهاجرت را بایستی در شرایط اجتماعی اقتصادی و تولیدی استان طی چهل سال گذشته جستجو نمود. شرایط اجتماعی اقتصادی و تولیدی استان در طی چهل سال گذشته (۷۵-۱۳۳۵) و مسائل جنبی آن، کم توجهی و در بعضی موارد بی توجهی به صنایع روستایی و همچنین سیاست گذاری های غلط اقتصادی - اجتماعی باعث عدم تأمین نیاز روستائیان در زمینه های مختلف اقتصادی - اجتماعی از جمله عدم تأمین معیشتی از اراضی موجود کشاورزی گردیده است. علاوه بر آن، بیکاری فصلی نیز سبب کاهش جمعیت فعال در روستاها شده است. آنچه باید اذعان داشت این که شرایط اقتصادی در روستاهای استان اصفهان آنچنان متحول نشده که قادر به جذب همه جویندگان کار باشد و به موازات آن، به سرباری و بار تکفل خالص جمعیت روستاها افزوده شده است و در مجموع به دلیل وابستگی افراد به معیشت خانوارهای خود، متاسفانه سطح زندگی بسیاری از خانوارهای روستایی به خصوص در مناطق محروم تنزل پیدا کرده و نرخ بالای تورم بعد از انقلاب به دلیل شرایط خاص سیاسی - اقتصادی کشور مزید بر علت می باشد.

قابل ذکر است که بخشی از نیروی کار روستایی به دلیل عدم وجود شرایط فعالیت در روستاها به بازارهای کار^۱ شهری روی می آورند و این جمعیت از موارد انتقال بیکاری روستایی به نقاط شهری می باشد و از شاخص های مهم جمعیتی در مسائل نیروی انسانی فعالیت و اشتغال^۲ که در ساختمان جمعیت نقش تعیین کننده ای دارند، می توان نرخ عمومی فعالیت^۳ (یا میزان فعالیت عمومی)، نرخ واقعی فعالیت^۱، نرخ اشتغال^۲ (یا میزان اشتغال) و نرخ بیکاری^۳ را نام برد.

^۱ - کار یا فعالیت: هر فعالیت فکری یا بدنی است که قانوناً مجاز باشد و بمنظور کسب در آمد (نقد، غیر نقدی) صورت گیرد.

^۲ - اشتغال: در هر جامعه ای عده ای از جمعیت فعال شاغل هستند. مطابق تعریف «شاغل» کسی است که کار یا شغلی را دارا است و به این کار و شغل به عنوان یک تخصص و حرفه آگاهی دارد. وضعیت داشتن و مشغول بودن جمعیت به شغل معینی را اشتغال گویند. به عبارت دیگر اشتغال به وضعیتی اطلاق می شود که در آن به ازای شرکت مستقیم و فعال در جریان تولید و انجام خدمت، پاداش یا مزدی به صورت نقدی یا جنسی پرداخت می شود.

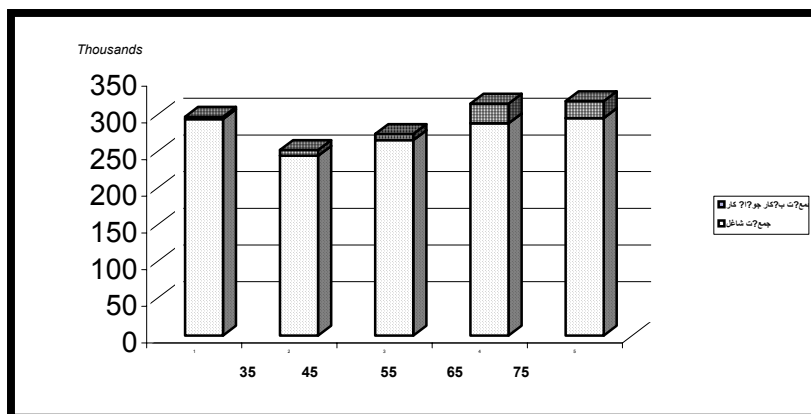
^۳ - میزان فعالیت عمومی یا نرخ عمومی فعالیت از تقسیم جمعیت فعال بر کل جمعیت به دست می آید و بر حسب درصد یا دهمزار محاسبه می شود.

۱۰۰ × جمعیت فعال = میزان فعالیت عمومی

جدول شماره ۲- تعداد جمعیت در سن فعالیت و جمعیت فعال در روستاهای استان اصفهان طی سال های (۷۵-۱۳۳۵)

سال	۱۳۳۵		۱۳۴۵		۱۳۵۵		۱۳۶۵		۱۳۷۵	
	تعداد	درصد	تعداد	درصد	تعداد	درصد	تعداد	درصد	تعداد	درصد
جمعیت در سن فعالیت (جمعیت ده ساله و بالاتر)	۵۱۶۸۷۷	۶۶/۴۹	۴۸۱۷۳۶	۶۴/۸۳	۵۲۸۹۰۱	۶۵/۵۷	۷۷۳۲۸۵	۶۵/۷۲	۷۷۰۹۱۱	۷۶/۵۵
جمعیت فعال	۲۹۸۳۷۳	۵۷/۷۳	۲۵۳۰۹۱	۵۲/۵۴	۲۷۴۹۳۴	۵۱/۹۸	۳۱۶۲۳۲	۴۰/۸۹	۳۱۹۵۷۶	۴۱/۴۵
جمعیت شاغل ^۱	۲۹۵۲۷۶	۹۸/۹۶	۲۴۵۲۷۶	۹۶/۹۱	۲۶۶۶۴۴	۹۶/۵۶	۲۸۹۵۳۷	۹۱/۵۶	۲۹۶۶۵۳	۹۲/۸۳
جمعیت بیکار ^۲ (جویای کار)	۳۰۹۷	۱/۰۴	۷۸۱۵	۳/۰۹	۸۲۹۰	۳/۰۲	۲۶۶۹۵	۸/۴۴	۲۲۹۲۳	۱۷/۷

نمودار ۳- میزان جمعیت فعال (جمعیت شاغل + بیکار جویای کار) در روستاهای استان اصفهان طی پنج مقطع زمانی (۷۵-۱۳۳۵)



کل جمعیت

^۴ - نرخ واقعی فعالیت یا میزان فعالیت از تقسیم جمعیت فعال بر جمعیت ۱۰ ساله به بالا ضربدر ۱۰۰ به دست می آید.

$$۱۰۰ \times \text{جمعیت فعال} = \text{نرخ واقعی فعالیت}$$

جمعیت ۱۰ ساله به بالا

^۵ - نرخ اشتغال یا میزان اشتغال که مهمترین شاخص ارزیابی وضعیت اشتغال جامعه می باشد از تقسیم تعداد جمعیت شاغل بر جمعیت فعال بدست می آید و معمولاً بر حسب

درصد محاسبه می شود.

$$۱۰۰ \times \text{جمعیت شاغل} = \text{نرخ اشتغال}$$

جمعیت فعال

^۶ - نرخ بیکاری یا میزان بیکاری از تقسیم تعداد جمعیت بیکار بر جمعیت فعال بدست می آید و معمولاً بر حسب درصد محاسبه می شود.

$$۱۰۰ \times \text{جمعیت بیکار} = \text{نرخ بیکاری}$$

جمعیت فعال

^۱ - شاغلین شامل: کارفرمایان، کارمندان، کارگران و کارگزاران خانوادگی که مزد نیز نمی گیرند می باشد.

^۲ - بیکار (جویای کار): کسانی که شاغل به حساب نمی آیند و در ۷ روز پیش از مراجعه مأمور سرشماری در جستجوی کار بوده اند بیکار (جویای کار)

تلقی می شود.

مأخذ: مرکز آمار ایران، نتایج تفصیلی سرشماری های عمومی نفوس و مسکن شهرستان های استان اصفهان سال های (۷۵-۱۳۳۵).

بر اساس نتایج سرشماری های عمومی نفوس و مسکن، نرخ عمومی فعالیت طی سال های مورد مطالعه در روستاهای استان اصفهان روند نزولی داشته، به طوری که نرخ عمومی فعالیت مناطق روستایی استان در سال ۱۳۳۵ حدود ۳۸/۳۸ درصد بوده و در سال ۱۳۷۵ به ۳۱/۷۳ رسیده است (جدول شماره ۳). همچنین نرخ فعالیت نیز به تبع نرخ عمومی فعالیت طی چهار دهه گذشته (۶۵-۱۳۳۵) روند نزولی داشته، به طوری که میزان این نرخ در سال های ۳۵ تا ۷۵ به ترتیب ۵۷/۳ و ۴۱/۴۵ درصد بوده است. براساس جدول فوق، نرخ اشتغال در سطح روستاهای استان اصفهان در سال ۱۳۳۵ حدود ۹۸/۹۶ درصد بوده که این نرخ طی چهل سال گذشته روند نزولی طی نموده، به طوری که نرخ مذکور در سال ۷۵ به ۹۲/۸۳ درصد رسیده است.

جدول ۳- میزان نرخ عمومی و واقعی فعالیت، نرخ اشتغال و بیکاری در مناطق روستایی استان اصفهان طی چهار دهه گذشته (۷۵-۱۳۳۵).

سال	عنوان												
	میزان	عنوان	میزان	عنوان	میزان								
۱۳۳۵	درصد	۳۸/۳۸	نرخ عمومی فعالیت	۳۴/۰۶	۱۳۴۵	درصد	۳۴/۰۸	نرخ عمومی فعالیت	۲۶/۸۸	۱۳۶۵	درصد	۳۱/۷۳	نرخ عمومی فعالیت
۱۳۳۵	درصد	۵۷/۷۳	نرخ واقعی فعالیت	۹۶/۹۱	۱۳۴۵	درصد	۹۶/۹۸	نرخ واقعی فعالیت	۹۱/۵۶	۱۳۶۵	درصد	۴۱/۴۵	نرخ واقعی فعالیت
۱۳۳۵	درصد	۹۸/۹۶	نرخ اشتغال	۳/۰۹	۱۳۴۵	درصد	۳/۰۲	نرخ اشتغال	۸/۴۴	۱۳۶۵	درصد	۷/۱۷	نرخ اشتغال
۱۳۳۵	درصد	۱/۰۴	نرخ بیکاری		۱۳۴۵	درصد		نرخ بیکاری		۱۳۶۵	درصد		نرخ بیکاری

مأخذ: مرکز آمار ایران، نتایج سرشماری های عمومی نفوس و مسکن شهرستان های استان اصفهان سال های ۱۳۳۵، ۱۳۴۵، ۱۳۵۵، ۱۳۶۵، ۱۳۷۵.

نرخ بیکاری نیز طی چهل سال گذشته دائماً در حال افزایش بوده، به طوری که در سال ۱۳۳۵ نرخ مذکور به ۱/۰۴ درصد و در سال ۱۳۷۵ به ۷/۱۷ درصد رسیده است.

مطالعه در این روند نشان دهنده افزایش روز افزون بیکاری در مناطق روستایی استان می باشد و اقدامات لازم جهت ایجاد اشتغال برای جلوگیری از زیان های ناشی بر پیکره اقتصادی - اجتماعی مناطق روستایی استان الزامی و حیاتی است و با توجه به کاهش روز افزون میزان اشتغال و نرخ های تابع آن بایستی کلیه نهادها و ارگان های مربوط به فکر برنامه ریزی منطقی و صحیح جهت ایجاد اشتغال مناسب باشند و با استفاده از برنامه ریزی جامع و بهره گیری از توان های محیطی و امکانات بالقوه و بالفعل استان، سعی در کارا کردن بخش های مختلف اقتصادی (کشاورزی، صنعت، خدمات و...) جهت کسب درآمد بیشتر برای جامعه روستایی و ارتقاء سطح کمی و کیفی زندگی و ایجاد زمینه های لازم برای توسعه فراهم گردد.

۱-۲- مقایسه میزان جمعیت در سن فعالیت، جمعیت شاغل و جمعیت بیکار در نواحی سه گانه طی سال های (۷۵-۱۳۳۵)

جمعیت در سن فعالیت در ناحیه خشک - بیابانی با ۷۹/۳۷ درصد نسبت به کل جمعیت از بالاترین میزان نسبت به دو ناحیه دیگر برخوردار می باشد و در ناحیه دشتی خشک و کوهستانی معتدل از این نظر به ترتیب حدود ۷۶/۶۷ درصد و ۶۰/۸۰ درصد می باشد. طی سال های مورد مطالعه، میزان جمعیت در سن فعالیت در ناحیه خشک - بیابانی دائماً

در حال افزایش بوده و در نواحی کوهستانی معتدل و دشتی خشک تا سال ۱۳۵۵ افزایش یافته، ولی در سال ۶۵ این میزان اندکی کاهش یافته است و در سال ۱۳۷۵ به جز ناحیه کوهستانی معتدل این میزان افزایش داشته است. علل این روندها در مورد جمعیت در سن فعالیت (ده ساله و بالاتر) را بایستی افزایش جمعیت و میزان رشد آن دانست. لیکن از حرکات جمعیتی نیز می توان به عنوان عاملی بسیار مهم نام برد. میزان جمعیت شاغل به جمعیت فعال در ناحیه کوهستانی معتدل در دوره های بعد از سال ۱۳۳۵ روند کاهشی داشته ولی در دو ناحیه دشتی خشک و خشک - بیابانی در سال ۱۳۴۵ در این میزان کاهش مشاهده شده و در سال ۱۳۵۵ پس از با اندکی افزایش دوباره به کاهش خود ادامه داده و در هر سه ناحیه میزان جمعیت شاغل نسبت به جمعیت فعال در سال ۱۳۶۵ کاهش داشته است و بالطبع میزان جمعیت بیکار نسبت به جمعیت فعال در ناحیه کوهستانی معتدل دائماً در حال افزایش بوده، است حال آن که میزان آن در سرشماری ۱۳۶۵ پائین تر از دو ناحیه جلگه ای خشک و خشک بیابانی می باشد (جدول شماره ۴).

۲-۲- مقایسه نرخ عمومی و واقعی فعالیت، نرخ اشتغال و بیکاری نواحی سه گانه در سال های (۷۵-۱۳۳۵)

بر اساس جدول شماره (۵) نرخ عمومی فعالیت در سرشماری ۱۳۷۵ در هر سه ناحیه کاهش زیادی را نشان می دهد که به ترتیب ناحیه کوهستانی معتدل با ۲۳ درصد و ناحیه دشتی خشک با ۳۲ درصد و ناحیه خشک - بیابانی با ۳۷ درصد به ترتیب بالاترین کاهش را نشان می دهند. در واقع کاهش نرخ فعالیت در اثر کاهش نسبی جمعیت شاغل و افزایش جمعیت بیکار می باشد و همچنین عدم تعادل موجود در بازار کار در روستاهای هر سه ناحیه ناشی از رکود فعالیت های اقتصادی و افزایش شدید جمعیت و مشکلات گوناگون دیگری است که اقتصاد کشور به آن دچار گردیده و این خود عاملی در جهت کاهش نرخ فعالیت جمعیت بوده و سبب گشته است یعنی با افزایش جمعیت و افزایش افراد جویای کار فرصتهای شغلی جدید ایجاد نگردیده و بخشی از تا جمعیت شاغل نیز در این فاصله شغل خود را از دست داده و به خیل بیکاران پیوندند.

۳- توزیع جمعیت روستایی استان در بخش های عمده اقتصادی طی دوره های آماری (۷۵-۱۳۳۵)

کیفیت تخصصی در بخش های عمده و مختلف اقتصادی یعنی کشاورزی - تولیدی صنعتی و ساختمانی و خدماتی بیانگر ساختار شغلی در منطقه می باشد که خود بازتابی از ساختار اقتصادی متأثر از شرایط اقلیمی، اجتماعی - فرهنگی و اقتصادی هر منطقه است. میزان اشتغال جمعیت در روستاهای استان اصفهان و چگونگی توزیع آن در بخش های عمده اقتصادی طبعاً ناشی از امکانات و منابع موجود است که می تواند امکان جذب نیرو را داشته باشد. استان اصفهان از لحاظ شرایط اقتصادی - اجتماعی و به خصوص جغرافیایی و اقلیمی با این که به عنوان منطقه ای صنعتی در کل کشور مطرح است، لیکن مستعد دیگر فعالیت های اقتصادی با توجه به شرایط متفاوت آب و هوایی نیز می باشد که غیر از بخش صنعت، بخش های دیگر هم مانند بخش کشاورزی سهم عظیمی در ایجاد اشتغال و مسائل اقتصادی منطقه دارد.

طی چهل سال گذشته میزان اشتغال در بخش های عمده اقتصادی در حال تغییر و تحول بوده، به طوری که جمعیت شاغل در بخش کشاورزی دائماً در حال کاهش بوده و این روند به طور واضح آشکار می باشد. در سال ۱۳۳۵،

۶۴/۵ درصد از کل شاغلین در روستاهای استان در بخش کشاورزی مشغول بوده اند که این میزان در سال ۱۳۷۵ به ۳۲/۷ درصد کاهش یافته است.

استان اصفهان یکی از مهم ترین استان های صنعتی کشور محسوب می شود. وجود کارخانجات و مراکز عظیم صنعتی تا حد زیادی پذیرنده نیروهای فعال مازاد در بخش کشاورزی در روستاهای استان است که از اثرات جنبی آن پذیرش مازاد نیروی انسانی روستایی و مهاجرت آنان به شهرها و ایجاد شهرک های جدید در این نواحی توسط روستائیان می باشد و افزایش تعداد آبادی های خالی از سکنه دلیل این مدعاست. این در حالی است که صنعت استان به سمت تکنولوژی برتر (سرمایه بر) که مستلزم بکارگیری نیروی کمتر با تخصص بالاتر است، گرایش دارد.

بر اساس جدول شماره (۶) میزان شاغلین روستائی در بخش صنعت از سرشماری ۱۳۳۵ تا ۱۳۵۵ دائماً در حال افزایش بوده، به طوری که در سال ۱۳۳۵ میزان شاغلین در این بخش ۲۵/۳۶ درصد کل شاغلین در روستاهای استان بوده و در سال ۱۳۴۵ این میزان به ۳۷/۴۲ درصد رسیده و در سال ۱۳۵۵ با ادامه روند افزایش به ۴۸/۰۳ درصد رسیده است. در سرشماری سال های ۱۳۶۵ و ۱۳۷۵ درصد شاغلین تنزل پیدا کرده و به ترتیب ۳۳/۶ و ۴۱ درصد رسیده است. علت عمده در کاهش سهم بخش صنعت در دو دوره اخیر را می توان در کمبود مواد اولیه مورد نیاز صنایع، عدم سرمایه گذاری های جدید در فعالیت های صنعتی، مشکلات و مسائل مربوط به تأمین ارز، متروکه شدن بعضی از صنایع، ماشینی شدن بعضی از تولیدات صنعتی و وجود رقیب های سرسخت در خارج از کشور مانند صنعت قالی و نساجی دانست. بررسی بخش خدمات می تواند به شناخت پیامدهای نامطلوب اجتماعی و فرهنگی ناشی از رشد اقتصادی و مبادلات فرهنگی که از آن جمله تهاجم بر سنن و ارزش های معنوی، همبستگی های خانوادگی و اجتماعی و از خود بیگانه شدن انسان هاست، کمک کند.

تشدید نابرابری های موجود در توزیع ثروت و درآمد و بی تعادلی در این توزیع باعث شکاف بین گروه های مختلف اجتماعی و بخش کشاورزی عمدتاً به صورت سنتی از یک سو و بخش های جدید صنعت و خدمات از سوی دیگر، در روستاهای استان و نواحی سه گانه شده و تجربه نشان داده است که تشدید این نابرابری ها نه تنها بر مبنای اصل عدالت اجتماعی اقتصادی قابل توجیه نیست که در بلند مدت رشد اقتصادی را نیز دچار رکود می سازد. با توجه به چگونگی روند بخش های مختلف اقتصادی می توان پی برد که در روستاهای استان به خصوص در دهه اخیر، گرایش از فعالیت های تولیدی به سمت فعالیت های توزیعی، غیر مولد و خدماتی بوده است.

بر اساس جدول شماره (۶) میزان اشتغال در بخش خدمات در سطح روستاهای استان به گونه ای چشمگیر افزایش یافته و می توان ابراز داشت که رشد مثبت بخش خدمات توأم با رشد منفی صنعت در دهه اخیر به گسستگی میان بخش های تولیدی و خدماتی دامن زده و طبعاً به آن خصلتی سربار و انگلی بخشیده و خدمات سربار و غیر ضروری را بوجود آورده است (نمودار شماره ۴).

جدول ۴- مقایسه میزان جمعیت در سن فعالیت، جمعیت شاغل و جمعیت بیکار در نواحی سه گانه طی دهه های (۷۵-۱۳۳۵)

ناحیه کوهستانی معتدل					ناحیه خشک - بیابانی					ناحیه دشتی خشک					روستاهای نواحی سه گانه
درصد / نفر					درصد / نفر					درصد / نفر					میزان
۷۵	۶۵	۵۵	۴۵	۳۵	۷۵	۶۵	۵۵	۴۵	۳۵	۷۵	۶۵	۵۵	۴۵	۳۵	سال عنوان
۱۶۳۰۰۱	۱۶۴۹۹۷	۱۳۴۶۱۲	۱۲۴۸۳۱	۱۴۶۸۵۵	۱۳۳۱۴۲	۱۲۹۱۴۷	۱۰۶۳۷۹	۱۱۳۷۸۹	۱۲۲۰۷۱	۴۷۴۷۶۸	۴۸۰۱۴۱	۲۸۷۹۱۰	۲۴۳۱۱۶	۲۴۸۹۵	جمعیت در سن فعالیت (۱۰ ساله و بالاتر)
۶۰/۸۰	۶۴/۶۴	۶۵/۱۶	۶۴/۴۸	۶۴/۵۴	۷۹/۳۷	۷۱/۰۶	۶۸/۳۶	۶۷/۴۴	۶۶/۸۰	۷۶/۶۷	۶۴/۹۱	۶۴/۷۸	۶۳/۸۴	۶۷/۵۴	
۵۶۲۱۲	۶۰۲۵۲	۶۶۳۰۲	۵۹۴۴۹	۶۷۴۳۶	۵۹۲۱۴	۵۳۹۱۴	۶۰۹۳۱	۶۹۴۶۹	۷۶۱۷۷	۱۸۱۲۲۷	۱۷۵۳۶۷	۱۳۹۴۱۱	۱۱۶۳۵۸	۱۵۱۶۶	جمعیت شاغل
۹۱	۹۳/۲۷	۹۳/۵۰	۹۵/۵۶	۹۸/۵۸	۹۶	۹۱/۹۰	۹۸/۵۱	۹۷/۵۴	۹۹/۱۷	۹۲	۹۰/۸۸	۹۸/۰۶	۹۷/۲۴	۹۹/۰۶	
۵۸۴۱	۴۳۵۰	۴۶۱۳	۲۷۵۹	۹۷۰	۲۳۳۲	۴۷۵۱	۶۲۱	۱۷۵۳	۶۳۴	۱۴۷۵۰	۱۷۵۹۴	۲۷۵۶	۳۳۰۳	۱۴۹۳	جمعیت بیکار (جویای کار)
۹	۶/۷۳	۶/۵	۴/۴۴	۱/۴۲	۴	۸/۱۰	۱/۴۹	۲/۴۶	۰/۸۳	۸	۹/۱۲	۱/۹۴	۲/۷۶	۰/۹۷	
۶۲۰۵۳	۶۴۶۰۶	۷۰۹۱۵	۶۲۲۰۸	۶۸۴۰۶	۶۱۵۴۶	۵۸۶۶۵	۶۱۸۵۲	۷۱۲۲۲	۷۶۸۱۱	۱۹۵۹۷۷	۱۹۲۹۶۱	۱۴۲۱۶۷	۱۱۹۶۶۱	۱۵۳۱۵	جمعیت فعال
۳۸	۳۹/۱۶	۵۲/۶۸	۴۹/۸۳	۴۶/۵۸	۴۶	۴۵/۴۲	۵۸/۱۴	۶۲/۵۹	۶۲/۹۲	۴۱	۴۰/۱۹	۴۹/۳۸	۴۹/۲۲	۶۱/۷۷	

مآخذ: مرکز آمار ایران، نتایج سرشماری عمومی نفوس و مسکن شهرستان های استان اصفهان سال های ۳۵، ۴۵، ۵۵، ۶۵، ۷۵.

جدول ۵- نرخ عمومی و واقعی فعالیت، نرخ اشتغال و بیکاری در روستاهای نواحی سه گانه در طی دهه های (۷۵-۱۳۳۵).

ناحیه کوهستانی معتدل					ناحیه خشک - بیابانی					ناحیه دشتی خشک					روستاهای نواحی سه گانه
درصد					درصد					درصد					میزان
۷۵	۶۵	۵۵	۴۵	۳۵	۷۵	۶۵	۵۵	۴۵	۳۵	۷۵	۶۵	۵۵	۴۵	۳۵	سال عنوان
۲۳	۲۵/۳۱	۳۴/۳۳	۳۲/۱۳	۳۰/۰۶	۳۷	۳۲/۲۸	۳۹/۷۴	۴۲/۲۱	۴۲/۰۳	۳۲	۲۶/۹	۳۱/۹۹	۳۱/۴۲	۴۱/۷۲	نرخ عمومی فعالیت
۳۸	۳۹/۱۶	۵۲/۶۸	۴۹/۸۳	۴۶/۵۸	۴۶	۴۵/۴۲	۵۸/۱۴	۶۲/۵۹	۶۲/۹۲	۴۱	۴۰/۱۹	۴۹/۳۸	۴۹/۲۲	۶۱/۷۷	نرخ واقعی فعالیت
۳۴	۳۶/۵۲	۴۹/۲۵	۴۷/۶۲	۴۵/۹۲	۴۴	۴۱/۷۵	۵۷/۲۸	۶۱/۰۵	۶۲/۴۰	۳۸	۳۶/۵۲	۴۸/۴۲	۴۷/۸۶	۶۱/۷۷	نرخ اشتغال
۹	۶/۷	۶/۵۰	۴/۴۴	۱/۴۲	۴	۸/۱	۱/۴۹	۲/۴۶	۰/۸۳	۸	۹/۱۲	۱/۹۴	۲/۷۶	۰/۹۷	نرخ بیکاری

جدول ۶- میزان جمعیت شاغل در بخش های اقتصادی در روستاهای استان طی چهار سال گذشته (۷۵-۱۳۳۵).

سال		۱۳۳۵		۱۳۴۵		۱۳۵۵		۱۳۶۵		۱۳۷۵	
عنوان میزان	تعداد	درصد	تعداد	درصد	تعداد	درصد	تعداد	درصد	تعداد	درصد	
	کل جمعیت شاغل	۲۹۵۲۷۶	۱۰۰	۲۴۵۲۷۶	۱۰۰	۲۶۶۶۴۴	۱۰۰	۲۸۹۵۳۷	۱۰۰	۲۹۶۶۵۳	۱۰۰
جمعیت بخش کشاورزی	۱۹۰۳۴۹	۶۴/۵	۱۳۰۸۰۰	۵۳/۳۳	۱۱۱۶۷۸	۴۱/۸۸	۱۱۴۷۷۵	۳۹/۶۴	۹۷۰۴۳	۳۲/۷	
جمعیت بخش صنعت	۷۴۸۸۲	۲۵/۳۶	۹۱۷۸۹	۳۷/۴۲	۱۲۸۰۶۱	۴۸/۰۳	۹۷۲۷۱	۳۳/۶	۱۲۱۶۳۳	۴۱	
جمعیت بخش خدمات	۲۵۳۷۲	۸/۵۹	۱۹۶۹۶	۸/۰۳	۲۶۰۰۷	۹/۷۵	۷۲۶۷۶	۲۵/۱۰	۷۵۰۸۰	۲۵/۳۱	
نامشخص	۴۵۸۳	۱/۵۵	۲۹۹۱	۱/۲۲	۸۹۸	۰/۳۴	۴۸۱۵	۱/۶۶	۲۸۹۷	۰/۹۸	

مأخذ: مرکز آمار ایران، نتایج عمومی سرشماری های عمومی نفوس و مسکن شهرستان های استان اصفهان در سال های ۳۵، ۴۵، ۵۵، ۶۵، ۷۵

۳-۱- توزیع جمعیت روستایی در بخش های اقتصادی در نواحی سه گانه طی سال های (۷۵-۱۳۳۵)

۳-۱-۱- توزیع جمعیت روستایی در بخش های اقتصادی در ناحیه دشتی طی سال های (۷۵-۱۳۳۵)

در ناحیه دشتی خشک طی چهار سال گذشته میزان شاغلین در بخش کشاورزی دائماً در حال کاهش بوده، به طوری که در سال ۱۳۳۵ میزان شاغلین این بخش نسبت به کل شاغلین ۶۸/۳۷ درصد و در سال ۱۳۷۵ به ۲۵/۱۳ درصد رسیده است. علیرغم آن که ناحیه دارای دشت های حاصلخیز و مستعد کشاورزی می باشد (جدول شماره ۷)، در بخش صنعت میزان شاغلین در این ناحیه تا سال ۱۳۵۵ دائماً در حال افزایش بوده و از سال ۱۳۶۵ با رشد منفی مواجه شده است (نمودار شماره ۵).

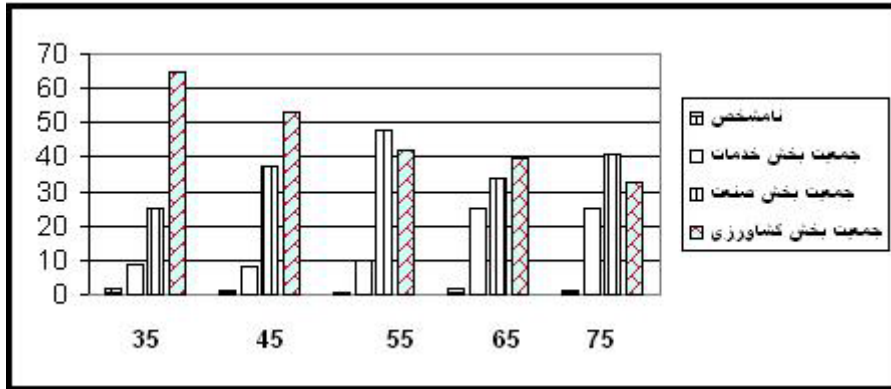
جدول ۷- میزان جمعیت شاغل در بخش های اقتصادی در ناحیه دشتی خشک طی چهار سال گذشته (۷۵-۱۳۳۵).

سال		۱۳۳۵		۱۳۴۵		۱۳۵۵		۱۳۶۵		۱۳۷۵	
عنوان میزان	تعداد	درصد	تعداد	درصد	تعداد	درصد	تعداد	درصد	تعداد	درصد	
	کل جمعیت شاغل	۱۵۱۶۶۳	۱۰۰	۱۱۶۳۵۸	۱۰۰	۱۳۹۴۱۱	۱۰۰	۱۷۵۳۶۷	۱۰۰	۱۸۱۳۲۷	۱۰۰
جمعیت بخش کشاورزی	۱۰۳۶۹۶	۶۸/۳۷	۶۸۱۲۲	۵۸/۵۴	۵۳۲۷۵	۳۸/۲۲	۵۶۲۴۱	۳۲/۰۷	۴۵۵۷۶	۲۵/۱۳	
جمعیت بخش صنعت	۳۳۱۴۲	۲۱/۸۴	۳۶۹۱۰	۳۱/۷۲	۶۹۳۷۶	۴۹/۷۶	۶۴۸۷۴	۳۶/۹۹	۷۷۱۶۸	۴۲/۵۶	
جمعیت بخش خدمات	۱۲۴۴۵	۸/۲۱	۹۴۶۷	۸/۱۴	۱۶۳۴۲	۱۱/۷۴	۵۱۱۳۱	۲۹/۱۶	۵۶۶۷۹	۳۱/۲۶	
نامشخص	۲۳۹۸	۱/۵۸	۱۸۵۹	۱/۶	۴۱۸	۰/۳	۳۱۲۱	۱/۷۸	۱۹۰۴	۱/۰۵	

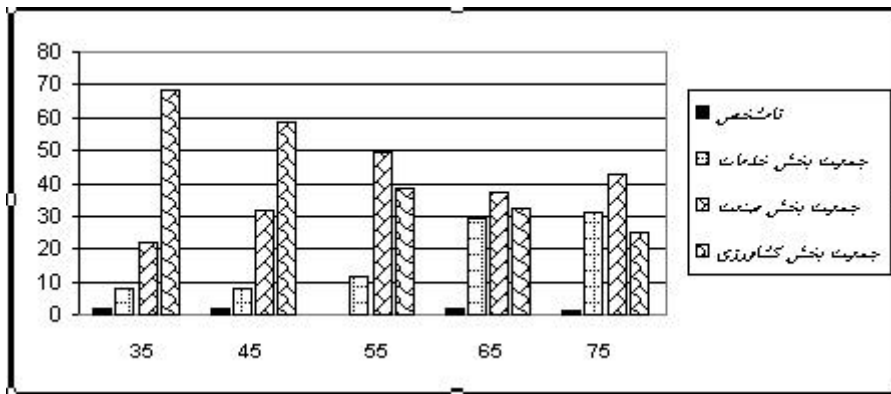
مأخذ: مرکز آمار ایران، نتایج تفصیلی سرشماری عمومی نفوس و مسکن شهرستان های استان اصفهان در سال های (۳۵، ۴۵، ۵۵، ۶۵، ۱۳۷۵).

میزان شاغلین در بخش خدمات نیز نوساناتی طی چهل سال گذشته داشته، لیکن بیشترین این نوسانات مربوط به سال ۱۳۷۵ می باشد. لازم به ذکر است که در این ناحیه جذب جمعیت روستایی به صنایع قابل ملاحظه می باشد؛ زیرا بیشتر صنایع مادر و بزرگ استان در این ناحیه احداث شده اند که ناشی از شرایط مناسب این ناحیه نسبت به دو ناحیه دیگر است.

نمودار ۴- میزان درصد جمعیت شاغل در بخش های اقتصادی روستاهای استان اصفهان طی پنج مقطع زمانی (۱۳۳۵-۷۵)



نمودار ۵- میزان درصد جمعیت شاغل در بخش های اقتصادی روستاهای ناحیه دشتی خشک طی سال های (۱۳۳۵-۷۵)



۳-۱-۲- توزیع جمعیت روستایی در بخش های اقتصادی در ناحیه خشک - بیابانی طی چهل سال گذشته (۱۳۳۵ - ۷۵)

میزان شاغلین بخش کشاورزی در این ناحیه طی چهل سال گذشته دائماً کاهش یافته، به طوری که در سال ۱۳۳۵ حدود ۵۲/۲۶ درصد از کل شاغلین شامل کشاورزان و دامداران می شده و در سال ۱۳۷۵ به ۳۳/۹۹ درصد کاهش یافته است (جدول شماره ۸). قابل ذکر است که این ناحیه بنابر موقعیت جغرافیایی و اقلیمی نسبت به دو ناحیه دیگر از زمین های مستعد کشاورزی و آب کشاورزی کمتری برخوردار است کویر در آن دائماً حال پیشروی می باشد.

جدول ۸- میزان جمعیت شاغل در بخش های اقتصادی در ناحیه خشک - بیابانی طی چهار سال گذشته (۷۵-۱۳۳۵).

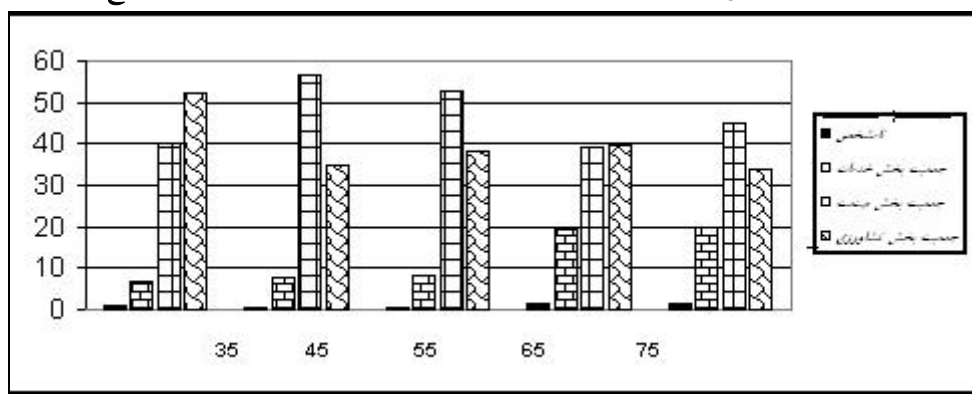
سال		۱۳۳۵		۱۳۴۵		۱۳۵۵		۱۳۶۵		۱۳۷۵	
عنوان میزان		درصد	تعداد	درصد	تعداد	درصد	تعداد	درصد	تعداد	درصد	تعداد
کل جمعیت شاغل		۱۰۰	۷۶۱۷۷	۱۰۰	۴۹۴۶۹	۱۰۰	۶۰۹۳۱	۱۰۰	۵۳۹۱۴	۱۰۰	۵۶۲۱۴
جمعیت بخش کشاورزی		۵۲/۲۶	۳۹۸۰۷	۳۵/۰۸	۲۴۳۷۱	۳۸/۲۲	۲۳۳۰۳	۲۱۴/۰۷	۲۱۴۰۷	۳۹/۷۱	۱۹۱۰۶
جمعیت بخش صنعت		۴۰/۱۴	۳۰۵۷۷	۵۶/۷۲	۳۹۴۰۱	۵۲/۹۲	۳۲۲۴۴	۲۱۲/۶۰	۲۱۲۶۰	۳۹/۴۳	۲۵۳۹۸
جمعیت بخش خدمات		۶/۷۴	۵۱۲۹	۷/۵۱	۵۲۱۷	۸/۴۱	۵۱۲۲	۱۰۳/۸۹	۱۰۳۸۹	۱۹/۲۷	۱۱۰۲۰
نامشخص		۰/۸۷	۶۶۴	۰/۶۹	۴۸۰	۰/۴۳	۲۶۲	۱/۵۹	۸۵۸	۱/۲۳	۶۹۰

مأخذ: مرکز آمار ایران، نتایج تفصیلی سرشماری عمومی نفوس و مسکن شهرستان های استان اصفهان سال های (۷۵-۱۳۳۵).

بخش صنعت نیز در این ناحیه نوسانات زیادی داشته، به طوری که در سال ۱۳۳۵ میزان شاغلین بخش صنعت حدود ۴۰/۱۴ درصد بوده که در سال ۱۳۴۵ این میزان افزایش یافته و به ۵۶/۷۲ درصد رسیده و در سال ۱۳۵۵ این روند منفی شده و اندکی کاهش یافته و به ۵۲/۹۲ درصد بالغ گردیده است. در سال ۱۳۶۵ و ۱۳۷۵ به ترتیب به ۳۹/۴۳ و ۴۵/۱۸ درصد رسیده است (نمودار شماره ۶).

بنظر می رسد که این کاهش در میزان شاغلین بخش صنعت بیشتر در اثر ضعیف شدن موقعیت صنعت قالی در ناحیه باشد. میزان شاغلین در بخش خدمات در ناحیه به تدریج روند افزایشی پیدا نموده، به طوری که این میزان در سال های ۷۵ تا ۳۵ به ترتیب ۶/۷۴ تا ۱۹/۶۰ درصد بوده است.

نمودار ۶- میزان درصد جمعیت شاغل در بخش های اقتصادی در روستاهای ناحیه خشک - بیابانی طی ۵ مقطع زمانی (۷۵-۱۳۳۵)



۳-۱-۳- توزیع جمعیت روستایی در بخش های اقتصادی در ناحیه کوهستانی معتدل طی چهار سال گذشته (۷۵-۱۳۳۵)

وضعیت بخش کشاورزی در این ناحیه گرچه در سه دهه گذشته کاهش داشته، لیکن نوسانات آن بسیار کمتر از دو ناحیه دیگر بوده، به طوری که در سال ۱۳۳۵ میزان جمعیت شاغل در این بخش ۶۹/۶۰ درصد کل شاغلین بوده و در سال ۱۳۷۵ به ۵۷/۵۱ درصد رسیده است (جدول شماره ۹).

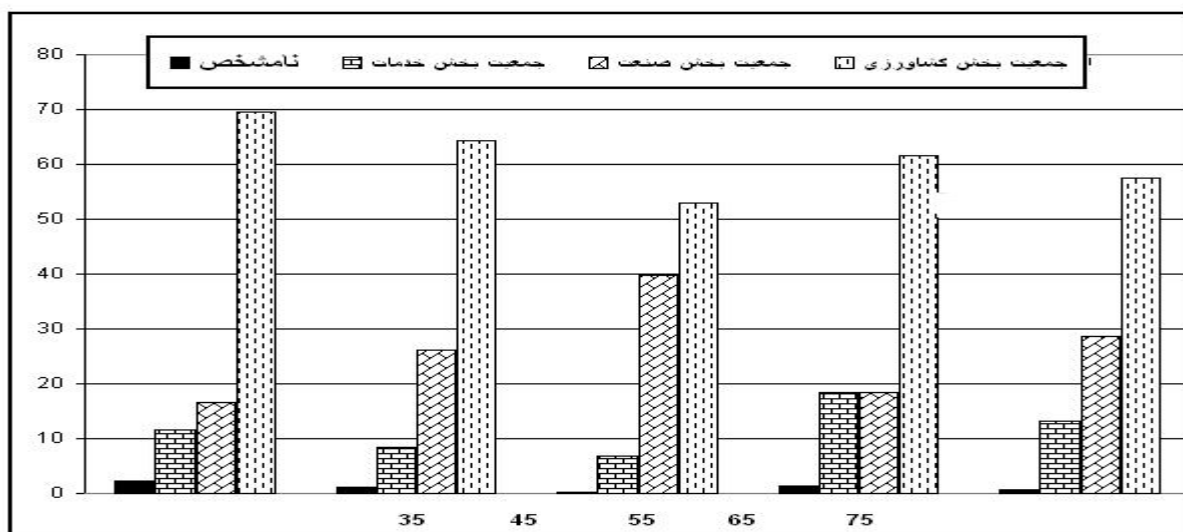
میزان جمعیت شاغل در بخش صنعت در این ناحیه تا سال ۱۳۵۵ از روند افزایش خوبی برخوردار بوده، ولی در سال ۱۳۶۵ این میزان حتی به کمترین میزان شاغلین در بخش صنعت در سال ۱۳۴۵ رسیده به طوری که در سال ۱۳۳۵ میزان شاغلین در این بخش ۶/۵۸ درصد بوده و در سال ۱۳۴۵ به ۲۶/۰۴ درصد رسیده و در سال ۱۳۵۵ این میزان با افزایش نسبتاً خوبی به ۳۹/۸۸ درصد رسیده و در سال ۱۳۶۵ و ۱۳۷۵ این میزان به ترتیب ۱۸/۴۸ و ۲۸/۶۰ درصد بالغ گردیده است. در بخش خدمات نیز در دهه ۱۳۴۵ و ۱۳۵۵ تا حدودی میزان شاغلین خود را از دست داده، ولی در سال ۱۳۶۵ این میزان بیش از سال ۱۳۳۵ شده، به طوری که در سال های ۱۳۳۵، ۴۵، ۵۵، ۶۵، ۷۵ به ترتیب به ۱۱/۵۶، ۸/۴۳، ۶/۸۵، ۱۸/۵۱، ۱۳/۱۸ درصد رسیده است (نمودار شماره ۷).

جدول ۹- میزان جمعیت شاغل در بخش های اقتصادی در ناحیه کوهستانی معتدل طی سال های (۷۵-۱۳۳۵).

سال	۱۳۳۵		۱۳۴۵		۱۳۵۵		۱۳۶۵		۱۳۷۵	
	تعداد	درصد	تعداد	درصد	تعداد	درصد	تعداد	درصد	تعداد	درصد
کل جمعیت شاغل	۶۷۴۳۶	۱۰۰	۵۹۴۴۹	۱۰۰	۶۶۳۰۲	۱۰۰	۶۰۲۵۶	۱۰۰	۵۶۲۱۰	۱۰۰
جمعیت بخش کشاورزی	۴۶۹۳۶	۶۹/۶۰	۳۸۳۰۷	۶۴/۴۳	۳۵۱۰۰	۵۲/۹۴	۳۷۱۲۷	۶۱/۶۲	۳۲۳۲۵	۵۷/۵۱
جمعیت بخش صنعت	۱۱۱۸۱	۱۶/۵۸	۱۵۴۷۸	۲۶/۰۴	۲۶۴۴۱	۳۹/۸۸	۱۱۱۳۷	۱۸/۴۸	۱۶۰۷۴	۲۸/۶۰
جمعیت بخش خدمات	۷۷۹۸	۱۱/۵۶	۵۰۱۲	۸/۴۳	۴۵۴۳	۶/۸۵	۱۱۱۵۶	۱۸/۵۱	۷۴۰۸	۱۳/۱۸
نامشخص	۱۵۲۱	۲/۲۶	۶۵۲	۱/۱	۲۱۸	۰/۳۳	۸۳۶	۱/۳۹	۴۰۳	۰/۷۱

مأخذ: مرکز آمار ایران، نتایج تفصیلی سرشماری عمومی نفوس و مسکن شهرستان های استان اصفهان سال (۷۵-۱۳۳۵).

نمودار ۷- میزان درصد جمعیت شاغل در بخش های اقتصادی در روستاهای ناحیه کوهستانی معتدل طی ۵ مقطع زمانی (۷۵-۱۳۳۵)



نتیجه گیری

با توجه به بررسی های انجام یافته چنین می توان نتیجه گرفت که روند اشتغال در روستاهای استان تابعی از روند کلی اشتغال در سطح کشور بوده و طی سرشماری های گذشته سیر نزولی داشته است. این امر تحت تأثیر عوامل مختلف اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و زیست محیطی بوده است. این در حالی است که روند تغییرات اشتغال در نواحی مختلف جغرافیایی استان از یک روند مشابه پیروی نکرده و روستاهای نواحی که دارای امکانات بهتر و قابلیت جذب امکانات بیشتری بوده اند، وضعیت اشتغال بهتری را نشان می دهند و تغییرات کمتری را در آنها می توان مشاهده نمود؛ ولی به صورت قطع می توان عنوان نمود که در روستاهای استان دارای سیر نزولی در بخش کشاورزی و دامپروری بوده و گرایش به سوی خدمات و صنعت می باشد. بنابراین تحقیق حاضر تقریباً با نظریه نورگس مبنی بر این که نیروهای کار مازاد در بخش کشاورزی به سایر بخش های اقتصادی (صنعت، خدمات و ...) انتقال یابد، هماهنگی بیشتری داشته، چرا که همان طور که در تحقیق اشاره گردید، توزیع اشتغال در بخش های اقتصادی از کشاورزی به سمت خدمات و صنعتی سوق داده شده است که با برنامه ریزی بهینه و کارآمد می توان در جهت ایجاد اشتغال و درآمد بیشتر برای جامعه روستایی و در نتیجه ارتقاء سطح کمی و کیفی جامعه روستایی گام برداشت و زمینه های لازم برای توسعه روستایی را از طریق پویا کردن اقتصاد روستایی فراهم نمود.

به منظور ایجاد زمینه اشتغال بهینه در روستاهای استان اصفهان توجه به نکات ذیل پیشنهاد می گردد:

- شناسایی آن دسته از نیازهای تولیدی و فنی بخش صنعت که امکان تهیه آن در سطح روستاها وجود دارد (مانند ماکوسازی، ریخته گری) به منظور تطبیق آنها با زمینه های مختلف فعالیت در نواحی و گسترش فعالیت ها در نواحی خشک - بیابانی و کوهستانی معتدل.

- مطالعات در زمینه طبقه بندی و انتقال آگاهانه و تدریجی بخشی از فعالیت های موجود اقتصادی اجتماعی از ناحیه دشتی خشک به دو ناحیه دیگر، به منظور ایجاد توازن بیشتر در ایجاد فرصت های شغلی و جلوگیری از قطبی شدن ناحیه جلگه ای خشک.

- کنترل رشد شهرهای واقع در ناحیه دشتی خشک به خصوص شهر اصفهان از طریق رفع زمینه های رشد خدمات کاذب و غیر مفید در این گونه شهرها و توسعه خدمات متناسب با نیازهای روستائیان و شهروندان در نواحی خشک - بیابانی و کوهستانی معتدل.

- ایجاد زمینه برای استقرار نیروی انسانی شاغل در صنایع در مراکز زیست نزدیک به آنها از طریق توسعه مطلوب مراکز جمعیتی موجود و یا ایجاد مراکز جمعیتی جدید با رعایت آن که بر روی بافت فرهنگی - اجتماعی و اقتصادی مناطق نزدیک به آنها اثر نامطلوب نگذارد.

- مطالعات مقدماتی و توجهی دریافتن مراکز منظومه های شهری و روستایی و تعیین اولویت ها با منظور نمودن اصول محور بودن کشاورزی و عدالت اقتصادی - اجتماعی.

- فراهم آوردن زمینه لازم برای رشد صنایع کوچک (صنایع دستی و صنایع کوچک کشاورزی) در نواحی روستایی.

- توسعه و گسترش صنایع محلی و بومی در نواحی روستایی و ایجاد مراکز خدماتی صنعتی در مراکز منظومه های روستایی.
- احداث سد ها و آبنگورها جهت ذخیره آب های فصلی و دائمی به منظور فراهم شدن امکانات تغذیه مصنوعی آبرفت ها و ذخیره سیلاب ها.
- مطالعه برای اعمال مناسب ترین روش های آبیاری برحسب شرایط هر ناحیه با ملحوظ نمودن محدوده های طبیعی حوضه ای آبریز و الگوی کشت.
- مطالعه و ارزیابی طبقه بندی اراضی از نظر امکان احیاء و اصلاح آنها در جهت شناسایی کشت های مناسب.
- مطالعه برای تعیین الگوهای کشت هر ناحیه.
- شناسایی و احیاء اراضی قابل توسعه در نقاط مستعد هر ناحیه و اصلاح اراضی ماندابی شور و قلیایی.
- مطالعه مراتع استان و یافتن شیوه های احیاء و اصلاح آنها در نواحی سه گانه متناسب با شرایط طبیعی هر ناحیه به منظور ایجاد فرصت های شغلی، افزایش بازده فعالیت های غیر زراعی و تعیین مناطق ممنوعه چرای دام ها به صورت موقت یا دائمی.
- اختصاص بخشی از اراضی ناحیه دشتی خشک و کوهستانی معتدل برای کشت گیاهان علوفه ای و صنعتی.
- اعمال شیوه های مصنوعی در تثبیت شن های روان در ناحیه دشتی خشک و خشک بیابانی.
- اولویت بخشیدن به کشت محصولات استراتژیک در هر سه ناحیه.
- تلفیق مناسب زراعت و دامداری در نواحی سه گانه متناسب با شرایط طبیعی و اقتصادی - اجتماعی آن ناحیه.
- هر یک از پیشنهادات فوق زمینه تحقیق و مطالعه جداگانه ای را فراهم می نماید که از حوصله این مقاله خارج بوده و امید است نگارنده بتواند در بخش های بعدی خود به آن پردازد و یا این که سایر محققین کشور در این زمینه تحقیقات لازم را برای بهبود اوضاع اقتصادی و اجتماعی منطقه بعمل آورند.

منابع و مأخذ:

- ۱- امینی، علیرضا (۱۳۷۷)، «برآورد الگوهای تقاضای نیروی کار در اقتصاد ایران و پیش بینی آن طی سالهای ۸۳-۱۳۷۶»، سازمان برنامه و بودجه، دفتر اقتصاد کلان.
- ۲- پولاد، اچ و همکاران - آقا. علی و همکاران (مترجم) (۱۳۴۵)، - روشهای تحلیل جمعیت، مرکز جمعیت شناسی دانشگاه شیراز.
- ۳- زیاری، کرامت اله (۱۳۸۰)، «بررسی، تحلیل و برنامه ریزی اشتغال در استان یزد»، فصلنامه تحقیقات جغرافیایی، سال شانزدهم، شماره ۶۱.
- ۴- زیاری، کرامت اله (۱۳۷۸)، اصول و روشهای برنامه ریزی منطقه ای، انتشارات دانشگاه یزد.

- ۵- زنجانی، حبیب اله و همکاران (۱۳۷۰)، - سوابق جمعیتی شهرها و آبادیهای استان اصفهان، مرکز مطالعات و تحقیقات شهر سازی و معماری ایران، تهران.
- ۶- سازمان مدیریت و برنامه ریزی استان اصفهان، سالنامه آماری استان اصفهان ۱۳۸۰.
- ۷- سازمان جهاد سازندگی استان اصفهان (۱۳۷۲)، طرح نیازهای آموزشی - ترویجی روستاهای استان اصفهان، جلد اول و دوم (مطالعات طبیعی و انسانی - اقتصادی).
- ۸- سازمان برنامه و بودجه استان اصفهان، فرهنگ آبادیهای استان اصفهان، (۱۳۶۵)، معاون آمار و اطلاعات.
- ۹- ستاد هماهنگی و مدیریت مطالعات توسعه استان اصفهان (۱۳۶۵)، بررسی وضع گذشته و موجود بخشهای اقتصادی - اجتماعی نواحی مختلف استان اصفهان، گروه امور اقتصادی سازمان برنامه و بودجه استان اصفهان.
- ۱۰- شایان، حمید (۱۳۸۰)، «تحلیل کمی روند رشد و تحولات اشتغال در استان خراسان در دهه ۶۵-۱۳۵۵ و ۷۵-۱۳۶۵»، فصلنامه تحقیقات جغرافیایی، سال شانزدهم، شماره ۶۱.
- ۱۱- علیزاده، محمد، کازرونی، کاظم (۱۳۶۳)، - مهاجرت و شهرنشینی در ایران، دفتر جمعیت و نیروی انسانی، معاونت امور اقتصادی.
- ۱۲- قره باغیان، مرتضی (۱۳۷۲)، - نظریه های توسعه اقتصادی، نشرنی، تهران.
- ۱۳- کاظمی پور، شهلا (۱۳۷۱)، - روشهای تحلیل جمعیت، دانشگاه پیام نور، تهران.
- ۱۴- کمیجانی، اکبر (۱۳۷۹)، «ارزیابی عملکرد سیاست های اشتغال زایی در ده سال اخیر و برآورد تابع تقاضای نیروی کار در ایران»، مجله کار و جامعه، شماره ۳۴، تهران.
- ۱۵- مرکز آمار ایران، نتایج سرشماری های عمومی نفوس و مسکن استان اصفهان، سالهای ۳۵، ۴۵، ۵۵، ۱۳۷۵، ۶۵.
- 16- Al - Jalaly, S(1992): "Agricultural sector Employment and the Need for off - Farm Employment " Pakistan Development Review.
- 17- Burgess, S.M(1988): "Employment in Uk Manufacturing", The Economic Journal.
- 18 -Benjamin, D (1992): "Household composition, labor Markets and labor Demand: Testing for separation in agricultural Household Models", Econometrica.
- 19- khan, S., and Ghani, E(1989): "Employment Generation in Rural Pakistan with a special focus on Rural Industrialization", Pakistan Development Review, vol. 28.
- 20- Keynes. J. M. (1970) "The general Theory of Employment, Interest and Money", pp, 113 - 15.
- 21- Nurks, R:(1967) Patterns of Trade and Development, Oxford university press, London.
- 22- Rosen, H. S, and Quandt, R. E: (1979)"Estimation of a Disequilibrium Aggregate labor market", The Review of Economics and statistics.
- 23 - Rosentien, P. N. Notes on the theory of Big push , Economic Development for atin -America ,(1963) Martin , New york , pp: 245 - 255.